

مسئله‌شناسی چالش‌های اساسی جهان اسلام از نظر گاه امام خمینی (ره)

«با نگاهی به مسائل کنونی خاورمیانه»

بهزاد قاسمی^۱

چکیده

هدف این پژوهش تبیین نگاه امام خمینی (ره) به مسائل و چالش‌های جهان اسلام و تمدن اسلامی در نیم قرن اخیر است. پژوهش حاضر ضمن بررسی نگاه امام (ره) به مشکلات جهان اسلام از بعد نظری و عملی، چگونگی اوضاع جهان اسلام بعد از انقلاب اسلامی را تبیین کرده و الهام‌بخشی انقلاب در آینده تحولات کشورهای اسلامی را نشان می‌دهد. سؤال اصلی مقاله این است که چالش‌های اساسی جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی (ره) کدام‌اند؟ و انقلاب اسلامی چه تأثیری در فرآیند کنونی و آینده جهان اسلام خواهد گذاشت؟ بر اساس برخی یافته‌های پژوهش توسعه تمدن اسلامی در عصر حاضر از طریق تولید و بازتولید هنجارهای فرهنگی صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد تحولات امروزین غرب آسیا و شمال آفریقا متأثر از حرکت و اندیشه امام خمینی (ره) است. چون امام به خوبی نشان داد امت اسلامی با تکیه بر فرهنگ دینی خود، ساز و کاری مناسب در عرصه جهان در اختیار دارد. امروزه تجسم واقعی از تأثیر و الگوگیری از مدل انقلاب

۱. دانشجوی دوره دکتری تاریخ انقلاب اسلامی و پژوهشگر



اسلامی در خیزش‌های مردمی منطقه بیانگر این موضوع بوده، و نشان از این دارد که بار دیگر تلاش برای تعیین سرنوشت به‌دست مردم صورت گرفته است؛ جنبش‌های اخیر ملت‌های خاورمیانه را باید به مثابه درخواست‌های سیاسی دانست که در انقلاب مردم ایران در سال ۱۳۵۷ تجلی کرد. ولی امروزه علاوه بر این که مسائل و مشکلات جهان اسلام وجود دارد بلکه از پیچیدگی خاصی نیز برخوردار است. این مسائل نیاز به شناخت دقیق و عمیق از واقعیت‌ها دارد تا راهبردی مناسب در این باره ارایه شود.

کلیدواژه‌ها: مسئله‌شناسی، امام خمینی (ره)، جهان اسلام، تمدن اسلامی، انقلاب اسلامی، خیزش‌های خاورمیانه.

مقدمه

بر اساس نگاه و اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تغییر و تحول بنیادین در جوامع اسلامی و آزاد کردن مسلمانان از واگرایی، بدون برنامه‌ریزی اساسی، بنیادین و ریشه‌دار امکان‌پذیر نیست؛ زیرا وضعیت کنونی جهان اسلام، معلول شرایط و عوامل بسیاری از جمله انحطاط فکری، فرهنگی و اعتقادی مسلمانان و سلطه قدرت‌های استعمارگر بر آنان است؛ استعمارگرانی که همواره در جهت مسخ هویت فکری و فرهنگی امت‌های اسلامی و نیز غارت منابع زیرزمینی آنان گام برمی‌دارند. رهایی از این وضعیت و نیل به وضعیت مطلوب و آرمانی تنها در پرتو زدودن ریشه‌های انحطاط فکری، فرهنگی و عقیدتی امکان‌پذیر است. این امر، بیش از پیش، ضرورت بسیج همه امکانات ملت‌ها و دولت‌های اسلامی را تحت یک استراتژی مشخص و فراگیر روشن می‌سازد. بنابراین جهان اسلام به عنوان مجموعه‌ای واحد، که دارای سوابق تاریخی، فرهنگی، عقیدتی و سیاسی مشترک هستند می‌باید بازگشت به اصالت تاریخی و فرهنگی را سرلوحه حرکت خود قرار داده، و مؤلفه‌های هویت دینی و ملی را به خوبی شناسایی و درونی نمایند. امام خمینی (ره) اثبات نمودند که اسلام، به معنای واقعی کلمه، جهانی است، ولی از نظر بعضی اسلام‌شناسان غربی، جهانی بودن اسلام، بیشتر ابهام‌انگیز و پر از مسائل پیچیده و حتی ترسناک است؛ تا حاکم بودن یک تفکر منسجم بر آن. با وجود این مشخص است که جهانی بودن اسلام پدیده‌ای بدون وابستگی به زمان و مکان است. این تفکر از آن برهه نقش محوری یافت که انقلاب ایران را از صحنه جدال‌های تعصبی و تجارب ثنوری‌های سیاسی نظریه پردازان، خارج نموده و به راه و رسالت تاریخی خود، که بهره‌مندی از تمدن اسلامی است هدایت نمود؛ تا آنجا که مسلمانان توانستند انقلاب مردمی خود



تحت رهبری دینی را به مرحله حقیقی در رهایی از سلطه حکومت برسانند.^۱ یکی از اساسی‌ترین نیازهای نظام اسلامی امروز تبدیل کردن مفاهیم کلی برگرفته از قرآن کریم و سنت به مفاهیم کاربردی و عملیاتی است. به بیان دیگر مفاهیم نظری باید امکان تبدیل به ضرایب کمی را پیدا کنند تا بتوان از کارآمدی مدل‌سازی اسلامی برای برپایی تمدن نوین اسلامی نوید داده شود. بنابراین برای طراحی تمدن اسلامی وجود یک مدل کارآمد بسیار ضروری است. کارویژه‌های اصلی برای تحقق فرمان الهی درباره طراحی مدل و چهارچوب نظام اسلامی بر پایه سه مؤلفه در آرمان‌شهر اسلامی بنا نهاده شده، که عبارت‌اند از مدل تولید، معادلات کاربردی و مدل طراحی برنامه‌های اجرایی.^۲ حضرت امام (ره) راه جلوگیری از انحراف و از بین رفتن اسلام و از بین بردن اتهام‌ها از اسلام ناب را در مرحله اول، روشنگری نسل‌ها و سپس تشکیل حکومت اسلامی و در نهایت اجرای احکام اسلام و صدور آن به جای جای دنیا می‌داند. امام در این مورد می‌فرماید:

ما موظف‌ایم ابهامی را که نسبت به اسلام به وجود آورده‌اند برطرف سازیم، تا این ابهام را از اذهان پاک نکرده‌ایم هیچ کاری نمی‌توانیم انجام دهیم. ما باید خود و نسل آینده را وادار کنیم و به آنها سفارش کنیم که نسل آتیه خویش را نیز مأمور کنند این ابهامی را که بر اثر تبلیغات سوء چند ساله نسبت به اسلام در اذهان حتی بسیاری از تحصیل کرده‌های ما پیدا شده رفع کنند. جهان‌بینی و نظامات اجتماعی اسلام را معرفی کنند، حکومت اسلامی را معرفی نمایند تا مردم بدانند اسلام چیست و قوانین آن چگونه است.^۳

امام خمینی (ره) قبل از پیروزی انقلاب اسلامی همواره ملت‌های اسلامی را به اتحاد و برادری و به استقلال و بازگشت به هویت دینی و اسلامی دعوت می‌کردند و در عمل نیز برای حرکت جنبشی در احیای تفکر اسلامی برای تشکیل حکومت تردیدی نداشتند و در سال ۵۷ حکومت ظالم ستمگر را در ایران با حمایت ملت از صحنه سیاسی سرنگون کردند و به تشکیل حکومت اسلامی اقدام نمودند. جمهوری اسلامی اکنون توانسته است در همه احوال ملجأ مظلومان عالم و به عنوان ام‌القرای جهان اسلام الگویی مدرن

۱. سفیر اختر، «به یاد امام خمینی»، گزیده مقالات همایش اندیشه/امام خمینی (س) در نگاه اندیشمندان جهان، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۳، ص ۴۸.

۲. عبدالعلی رضایی، مهندسی تمدن/اسلامی، موانع و الزامات، قم، فجر ولایت، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳.

۳. مسعود معینی پور، «بررسی برخی علل و زمینه‌های بشری انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، مطالعات/انقلاب/اسلامی، س ۴، ۱۳۸۷، ش ۱۲، ص ۱۳۵.

از حکومت اسلامی با پیام وحدت برای مسلمانان، استقامت و پایداری در مقابل استکبار باشد. بر این اساس برای حل بسیاری از مسائل و مشکلات جهان اسلام در اندیشه امام و قانون اساسی به آنها برمی‌خوریم. در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه یک سری اصول و مبانی بنا شده است که این اصول و مبانی راهنمای رفتار و کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی قرار می‌گیرند. برخی از مهم‌ترین اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش، حمایت و دفاع از مسلمانان، عدم دخالت در امور داخلی کشورها و احترام متقابل به دیگر کشورها.

در این باره گفتنی است اندیشه شکل‌گیری و تحقق امت واحده اسلامی بر بنیان اعتقادی و ایدئولوژی اسلامی، از دیرباز مورد اهتمام و تأکید مصلحان دینی و پیشگامان نهضت اسلامی قرار داشته است. استراتژی وحدت حول محوریت امت واحده اسلامی، در اندیشه سیاسی - دینی حضرت امام (ره) از جایگاه بلندی برخوردار بوده است. رابطه عمیق و همه‌جانبه اعتقادی و دینی میان نهضت‌های اسلامی موجب شد که حضرت امام (ره) از طریق ترویج و اشاعه دکترین امت واحده اسلامی، انقلاب اسلامی ایران را با نهضت‌های اسلامی جهان پیوندی استوار و ناگسستنی بخشیده و تحقق این ایده را کارسازترین استراتژی در مبارزه با جهان‌خواران و نیل به پیروزی عنوان نماید. می‌توان گفت به هر میزان وحدت و انسجام اجتماعی، سیاسی، وحدت و همبستگی ملی درونی و نیز اتحاد جهان اسلام در برابر دشمنان بیشتر باشد، جهان اسلام با داشتن آرمان و اهداف مشترک، در مسیری واحد به سوی اهداف مورد نظر حرکت خواهد کرد. ملتی که دارای همبستگی ملی است و از وحدت و یک‌دلی بهره می‌برد به سادگی به اهداف متعالی نظام سیاسی خویش دست خواهد یافت.^۱

نابسامانی و چالش‌های اساسی کشورهای اسلامی

مهم‌ترین و اولین ویژگی تمدن اسلامی اصالت و غنای فرهنگ اسلام است. در این تمدن قرآن مرکز و نقطه اساسی علم و علم‌آموزی است. در مرتبه پس از قرآن، سخنان و تعالیم پیامبر که از آن به سنت تعبیر می‌شود، قرار دارد. پس از آن نیز تعالیم ائمه و بزرگان دین قرار دارد. در این قسمت به برخی از مشکلات و نابسامانی‌های موجود که

۱. داوود تارودیزاده و آذر تاجور، وحدت و همبستگی جهان اسلام در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۴۵.

گریبان گیر جهان اسلام و تمدن اسلامی شده، اشاره می‌شود.

۱. فرقه‌گرایی

شیوه سنتی بهره‌کشی از ملت‌ها پراکندن تخم نفاق میان آنهاست. در قرآن نیز به این موضوع اشاره شده که فرعون نیز از همین شیوه برای به برده کشیدن مردم دوره خود استفاده می‌کرد. فرعون و فرعونیان زمان نیز از همین شیوه در به بردگی کشاندن مسلمانان بهره می‌جویند. امروزه فرقه‌های متفاوتی از جمله شیعه و سنی، حنفی و مالکی، و دیوبندی و... در میان مسلمانان دیده می‌شود. گرایش به مسئله فرقه‌گرایی از خواسته‌های امپریالیسم است که از این طریق جهان اسلام را مجبور کند هویت اساسی خود را از دست داده و به فرقه‌های مختلف گرایش پیدا کند. فرقه‌گرایی در پاکستان موجب کشته شدن صدها شخصیت مهم گردیده، شدت این فرقه‌گرایی‌ها، به حدی رسیده که به انفجار بمب، آتش‌سوزی و حملات انتحاری در مساجد به هنگام خواندن نماز انجامیده است و دولت مردان در مهار این خطر ناتوان مانده‌اند و اگر چه بعضی از اعضای سازمان‌های فرقه‌گرا را دستگیر و بعضی از این سازمان‌ها از فعالیت منع و تعدادی از عاملان، به اعدام محکوم شده‌اند اما تا به حال کسی در ارتباط با این جرایم محاکمه نشده است. امام خمینی (ره) حامی اصلی اتحاد و دوستی میان مسلمانان و ایجاد برادری میان مکتب‌های فکری مختلف بودند:^۱

تفرقه موجود در بین کشورهای مسلمان یا از خیانت سران ممالک اسلامی و یا از جهل و بی‌اطلاعی آنان است. سنی و شیعه مطرح نیست، در اسلام کرد و فارس مطرح نیست، در اسلام همه برادر و با هم هستیم. یک دسته از مسلمانان سنی، یک دسته حنفی و دسته‌ای حنبلی و دسته‌ای اخباری هستند، در یک جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید مطرح شود. ما همه برادر و با هم هستیم... اینها دلیل اختلاف نیست، ما نباید با هم اختلاف و یا یک تضادی داشته باشیم. برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما تنها به نفع آنهاست که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق. آنها می‌خواهند نه این باشند و نه آن. ما باید توجه به این معنی بکنیم که

۱. زاهد زاهدی، «اسلام و جهانی سازی»، گزیده مقالات همایش اندیشه/امام خمینی (س) در نگاه اندیشمندان جهان، همان، ص ۱۸۴.



همه ما مسلمان هستیم و همه ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت کنیم.^۱

به عقیده امام خمینی (ره) وحدت، از جمله عناصر مهم در نظام اسلامی با وجود گوناگونی نژادی و قومیتی ملت‌های مسلمان است؛ چرا که تحقق پروژه عمومی و بزرگ اسلامی با وجود اختلاف‌های مذهبی و قومی و نژادی میسر نیست در حالی که شایسته است اسلام تمام ویژگی‌های اختصاصی این ملت‌ها را در خود ذوب کرده، آنان را زیر پرچم توحید، متحد ساخته، به وحدت کلمه برساند تا مسلمانان همدل، یکدل و یک‌زبان و با یک موضع یکسان، رو در روی دشمنان به مقاومت بپردازند. زیرا تداوم تفرقه و جدایی بین مسلمانان تهدید داخلی پیش روی مسلمانان قرار داده، و آنان را در رویارویی با دشمنان خارجی ضعیف می‌سازد. در جایی دیگر حضرت امام (ره) می‌فرماید:

... اگر مسلمین وحدت کلمه داشتند، امکان نداشت اجانب بر آنها تسلط پیدا بکنند. این تفرقه در بین مسلمین است که باعث شده است که اجانب بر ما تسلط پیدا بکنند...^۲

و یا می‌فرماید:

... آنچه که بر سر مسلمین آمده است، از این قدرت‌های بزرگ است و آنچه که باید این مشکلات را حل بکند، وحدت کلمه مسلمین است...^۳

امروزه نیز مقام معظم رهبری تأکید دارند در دنیای اسلام مهم‌ترین خطری که ما را تهدید می‌کند تفرقه است. این درست همان نقطه‌ای است که صهیونیست‌ها و امریکایی‌ها از آن زیان می‌بینند و همه تلاش خود را علیه آن به کار انداخته‌اند. اختلافات قومی، مذهبی، طایفه‌ای، سیاسی و ارضی، همه تحریک شده دشمنان است. زمینه‌های این گونه اختلاف‌ها در بین خود ما وجود داشته، منتها ما غفلت کرده‌ایم و آن زمینه‌ها را از بین نبرده‌ایم، آنها هم آمده‌اند از غفلت امت اسلامی استفاده کرده‌اند و این اختلافات را تشدید کرده‌اند، و ما را به جان هم انداخته‌اند.^۴ امروزه دنیای اسلام از افراط‌گرایی دینی رنج می‌برد. زیرا اسلام دین صلح، دوستی و گفت‌وگو است و با خشونت و ترور و

۱. صحیفه/امام، ج ۱۲، ص ۲۵۹.

۲. همان، ج ۶، ص ۸۳.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۵۱۸.

۴. محمدرحیم عیوضی، «چالش‌های سیاسی جهان اسلام و آینده ایران»، دانش سیاسی، ۱۳۸۷، س ۴، ش ۲، ص ۱۵۷.

افراط‌گرایی مخالف است. افراط‌گرایی موجب تفرقه و تشتت بین مسلمانان خواهد شد؛ نمونه آن را در گروه‌های تکفیری در سوریه شاهد هستیم؛ و یا می‌توان به جریان‌های القاعده، سپاه صحابه، لشکر جهنگوی و... اشاره کرد.

۲. نابسامانی‌ها و چالش‌های ناشی از جهانی شدن

جهانی شدن چه در سطوح تولید و چه در سطح ابزار و روش‌ها، چالش‌های بی‌شماری را برای فرهنگ اسلامی با خود به همراه آورده است. در این زمینه باید اعتراف کنیم که ما در روش‌های آموزشی و برخورد با مشکلات و پدیده‌های نوین جهانی، هنوز هم به طور انفعالی عمل می‌کنیم. در مسئله جهانی شدن ابتکار عمل را در دست نداریم؛ روش پرداختن ما به مسائل، تکراری، سنتی و کند است و نوآوری در آن دیده نمی‌شود. ملت‌ها و جوامع اسلامی از نفوذ فرهنگی غرب در رنج به سر می‌برند. چنانچه این نفوذ و این هجوم فقط فرهنگی بود ما می‌توانستیم چهارچوب آن را مشخص کنیم و گونه‌های آن را ثبت نماییم، ولی علاوه بر آن، شاهد نفوذ تبلیغاتی و رسانه‌ای هستیم که از طریق سینما، تلویزیون و ماهواره در هر خانه رخنه کرده است و اگر چنانچه تاکنون دست آن به همه خانه و خانواده‌ها نرسیده چیزی نخواهد گذشت که اکثریت خانواده‌ها را نیز در بر می‌گیرد. این نفوذ رسانه‌ای می‌تواند به طور جدی افکار نسل آینده را دست‌خوش تغییر قرار دهد. با اینکه جهان اسلام هنوز نتوانسته خود را با رسالت و گفتمان جهانی دین اسلام به طور کامل وفق دهد و اختلاف‌های فرقه‌ای، مذهبی و جغرافیایی هنوز هم در رفتار و روش ملت‌های مسلمان و جنبش‌های اسلامی تأثیر گذار است، باز هم می‌بینیم که هر گاه مسئله حمله به جهان اسلام صورت می‌گیرد همه به یک‌باره متحد شده و موضع مشترکی از خود نشان می‌دهند، ولی این امر متأسفانه زائیده یک لحظه‌آنی است و به مرحله برنامه‌استراتژیک مشترک و تأثیر گذار نمی‌رسد. برای مقابله با چالش‌ها و توطئه جهانی شدن فرهنگی، ملت‌های مسلمان و نیروها و جنبش‌های اسلامی، باید سطح گفتمان خود را با هوشیاری ارتقا بخشند تا به گفتمانی زیرکانه و متناسب با حجم و سطح چالش‌ها و خطرات پیش روی آنها تبدیل گردد. با توجه به واقعیت‌های کنونی جهان اسلام، به وضوح می‌توان دریافت که نقشه و توطئه امریکا و جهان غرب برای تبدیل جهان اسلام به دولت‌های کوچک و رژیم‌های ساختگی دارای اختلاف با یکدیگر با موفقیت همراه بوده است. در همین راستا، امام خمینی (ره) پروژه اسلامی و متمدنانه‌ای را برای مقابله فراگیر با آنان ارائه داده‌اند که بر پایه اصولی استوار است. وحدت کلمه مسلمانان و برشمردن اتحاد به عنوان هدفی دائمی، مسئولیتی شرعی و آرمانی که امام



خمینی (ره) به آن چشم دوخته بود، عبارت‌اند از:

- ایجاد اتحاد محکم از طریق گام‌های حساب‌شده‌ای که از همکاری اقتصادی و همبستگی سیاسی آغاز شده و به تأسیس بازار مشترک اسلامی و انجام بالاترین درجه هماهنگی برای رویارویی با استکبار امریکا و صهیونیسم جهانی منتهی می‌گردد.
- هم‌گرایی حکومت‌های کشورهای اسلامی بر اساس برادری اسلامی و یاری مظلومان و مخالفت با روش‌های استکباری و سلطه‌گرانه قدرت‌های بزرگ.
- توزیع عادلانه ثروت‌ها به گونه‌ای که اختلاف طبقاتی از میان برود. این اصل خود، شکل پیشرفته‌ای از مبارزه با شرکت‌های احتکارگر و قدرت‌های استکباری و استعمارگر می‌باشد.

- برپاسازی روابط انسانی متعادل و عادلانه، بر اساس پرستش خدا و مساوات میان انسان‌ها در راستای عمل به دیدگاه‌های قرآن. رساندن پیام اسلام به جهان با حکمت، پند و اندرز نیکو و باز کردن راه گفت‌وگو میان ادیان و فرق، فرهنگ‌ها و اندیشه‌های مختلف، بدون پیش‌فرض‌های نادرست و نفاق و وابستگی، با توجه به اصول و پایه‌های یادشده که امام خمینی (ره) همیشه آنها را مورد تأکید قرار داده و رهبری انقلاب اسلامی ایران، بر اساس آن عمل نموده است.^۱

امروزه مسئله جهانی شدن خود را در قالب جهانی شدن فرهنگ به مثابه «کثرت‌گرایی فرهنگی» نشان داده است. از مهم‌ترین آسیب‌پذیری‌های فرهنگی جهانی شدن در رویکرد «امپریالیسم فرهنگی» می‌توان به: ارائه بدیل‌های متنوع و جذاب در برابر ارزش‌های مسلط دین‌داران و انقلابیون (غلبه نسبی‌گرایی و اباحه‌گرایی)، ایجاد اختلال در فرایند انتقال ارزش‌های نسل‌های پیشین به نسل‌های جدید جامعه انقلابی (شکاف نسلی)، گسترش شبهات دینی و ابتذال اخلاقی - اجتماعی از طریق بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطی جدید (ماهواره، اینترنت و...)، تبلیغ نامناسب و عدم توجه به زمینه‌پرورده‌گی و زمانه‌پرورده‌گی ارزش‌ها از سوی برخی دین‌داران و مبلغان دینی، کاهش مقبولیت و مشروعیت گروه‌های مرجع سنتی نزد مسلمانان، ناکامی متولیان رسمی و مروجان ارزش‌های انقلاب اسلامی در تبدیل آنها به هنجارهای اجتماعی (ناکامی در جامعه‌پذیر کردن ارزش‌های انقلابی) و تبلیغ پلورالیسم دینی تحت عناوینی مانند صراط‌های مستقیم اشاره کرد. همچنین عواملی مانند فقر تولید

۱. محمد خلف‌الجواد، «اسلام و جهانی‌سازی»، گزیده مقالات/اندیشه/امام خمینی (س) در نگاه دانشمندان جهان، ۱۳۸۳، ص ۱۳۲.



آثار فاخر فرهنگی در عرصه‌های رسانه‌ای (تئاتر، تلویزیون، سینما)، تفرّدگرایی، گسست نسلی و مسائل دیگری که در این مختصر نمی‌گنجد، وجود دارد. به نظر می‌رسد رویکرد غالب نسبت به مسئله جهانی شدن در بعد فرهنگی، در متن و بطن جهان اسلام و انقلاب اسلامی ایران، به منزله نوعی «امپریالیسم فرهنگی» است. که خواهان تحمیل فرهنگ و سبک زندگی اجتماعی غربی - لیبرالیستی بر فرهنگ دینی - ملی ایرانیان می‌باشد. و از آن به «هجمه فرهنگی» تعبیر و تفسیر می‌گردد.

۳. رهبری امت اسلام

با تأمل در اندیشه امام (ره) درمی‌یابیم که ریشه بسیاری از مشکلات و مسائل امت اسلام، نبود رهبری یا خلأ تئوریک رهبری است. این کمبود، موجب تضعیف سازمان‌های اسلامی از جمله سازمان کنفرانس اسلامی شده است. یک فرد در مقام رهبری باید جهت حل مسائل امت اسلام بینش سیاسی داشته و برای رویارویی با نیروهای استثمارگر، از شهامت و شجاعت کافی برخوردار باشد. امام خمینی (ره) رهبری با این خصوصیات برای ملت ایران بودند و تمام رهبران جنبش‌های اسلامی از ایشان الهام گرفته و دنباله‌رو راه ایشان می‌باشند.^۱ اصلی‌ترین مشکل امت اسلامی در ارتباط با موضوع رهبری است. فقدان رهبری درست و وفادار به اسلام و مسلمین علت تمام مشکلات عصر حاضر است. امت اسلام نیاز به رهبری واقعی دارد که بینش عمیق سیاسی و شهامت رویارویی با دشمنان را داشته باشد و در اصول اسلام به مصالحه نپردازد و ایمان و اعتقاد راسخی به خداوند داشته باشد.

با مطالعه نقش و جایگاه رهبری در انقلاب اسلامی و جنبش‌های اخیر در کشورهای اسلامی و به‌ویژه در مصر درمی‌یابیم که از جمله عوامل مهم پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی ایران، رهبری حضرت امام بود؛ در واقع رهبری انقلاب اسلامی در لباس مرجعیت و نمایندگی از ناحیه امام زمان (عج) ظهور کرده بود که رد حکم او رد حکم امام زمان (عج) و رد حکم امام زمان (عج)، رد حکم خداست و آن هم موجب کفر و خروج از اسلام است.^۲ لذا عمل به بیانیه‌های امام از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی و رسانه سنتی در طول انقلاب به عنوان عمل به دستورات اسلام تلقی می‌شد؛ در انقلاب اسلامی ایران رهبر پیش از وقوع انقلاب در تحولات بوده و رهبری و هدایت مردم و انقلاب را بر عهده داشت، ولی در انقلاب مصر پس از وقوع انقلاب بحث خلأ رهبری و جبران و تقویت این

۱. زاهد زاهدی، همان، ص ۹۸.

۲. غلامرضا خواجه سروی، «نسبت انقلاب اسلامی ایران با بیداری اسلامی؛ وجوه تشابه و تمایز»، مطالعات/انقلاب اسلامی، س ۹، ۱۳۹۱، ش ۲۸، ص ۱۰۸.

نقیصه پیش می‌آید. این خود موجب کند شدن روند انقلاب در مصر شد. رهبری یکی از مهم‌ترین مشخصات انقلاب اسلامی ایران است؛ به حدی که انقلاب اسلامی ایران بدون «رهبری» به پیروزی نمی‌رسید. در واقع، مهم‌ترین منبع بسیج‌کننده در انقلاب ایران و سمت‌وسودهنده به این بسیج، رهبری امام خمینی (ره) بوده است. دلیل این امر، از یک سو به مرجعیت مذهبی امام (ره) در میان گروه‌های اسلام‌گرا و سازش‌ناپذیری ایشان در برابر شاه باز می‌گشت. و از سوی دیگر، ناشی از پذیرش رهبری ایشان در میان دیگر گروه‌ها بود. در واقع، نیروها و استراتژی گروه‌های غیراسلامی یا چریکی (اعم از مذهبی و غیر مذهبی)، پس از دو دهه مبارزه، سرکوب شده یا به بن‌بست رسیده بودند. امام و سبک رهبری و شیوه مبارزاتی تجویزی ایشان بود که توانست جنبش انقلابی را عام و فراگیر کند و انقلاب را به پیروزی برساند. مهم‌ترین فرصتی که عامل رهبری برای جنبش انقلابی مردم ایران فراهم می‌کرد، جلوگیری از انحراف و مصادره انقلاب از سوی قدرت‌های بزرگ و عوامل رژیم و هشدارهای بهنگام در این خصوص تا دستیابی به موفقیت کامل بود. برای نمونه «رهبری»، در جنبش انقلابی مصر در مقایسه با جنبش انقلابی ایران، بیشتر به جنبش‌های نوین اجتماعی شبیه است تا جنبش‌های کلاسیک. از جمله تفاوت‌های جنبش‌های جدید اجتماعی و جنبش‌های کلاسیک یا قدیم، نبود رهبری در رأس جنبش است. در این جنبش‌ها رهبری صفتی جمعی و غیرمتعین در شخص خاص می‌باشد و جنبش اجتماعی، پیش از آنکه حول یک فرد جمع شود، حول ایده‌ای خاص مثل برابری خواهی، حقوق بشر یا دموکراسی خواهی، بسیج و جمع می‌شود. این وضعیتی است که در انقلاب‌های مصر و تونس، به وضوح قابل مشاهده بود. در این انقلاب‌ها، رهبری کاریزماتیک، جایش را به رهبری جمعی داد که بعضاً در فضای مجازی شکل می‌گیرد، و پس از آن عمل می‌کند. انقلاب مصر، هیچ رهبری نداشت و هیچ حزب یا گروه خاصی، آن را هدایت نمی‌کرد، خود مردم بودند که از طریق رسانه‌های جدید و در رأس آنها اینترنت، به سازمان‌دهی و مدیریت جریان اعتراضات اقدام می‌کردند. این ویژگی، سبب شده است انقلاب مصر در برابر ورودی‌های آشوب‌ساز همچون دخالت خارجی، عوامل رژیم پیشین و گروه‌های مصادره‌کننده انقلاب، آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به انقلاب ایران داشته باشد و نیاز به فعالیت و حضور جنبش انقلابی، پس از سقوط مبارک، همچنان احساس شود.

۴. حاکمیت حکام ظالم و فاسد

از نگاه امام خمینی (ره) بخش عظیمی از نابسامانی‌های موجود در جهان اسلام ناشی



از وجود حکام جور است. اصولاً بخشی از گرفتاری‌ها از قبیل وابستگی به قدرت‌های ظالم، احساس حقارت در برابر قدرت‌های سیاسی و اقتصادی از ناحیه حاکمیت طاغوت و قدرت‌های غیر مشروع در جوامع اسلامی می‌باشد. حضرت امام در این خصوص می‌فرماید:

شرع و حق حکم می‌کند که باید نگذاریم وضع حکومت ما به همین صورت ضد اسلامی یا غیر اسلامی ادامه پیدا کند؛ دلایل این کار واضح است، چون برقراری نظام سیاسی غیر اسلامی، نظامی شرک‌آمیز است، چون حاکمش طاغوت است و ما موظف‌ایم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم. باز به این دلیل که موظف‌ایم شرایط اجتماعی مساعدی برای تربیت افراد مؤمن و با فضیلت فراهم سازیم و این شرایط درست ضد شرایط حاکمیت طاغوت و قدرت‌های ناروا است. شرایط اجتماعی که ناشی از حاکمیت طاغوت و نظام شرک‌آمیز است، لازمه‌اش همین فساد است که می‌بینید. این همان فساد فی‌الارض است که باید از بین برود و مسببین آن به سزای اعمال خود برسند. ما چاره‌ای نداریم جز این که دستگاه‌های حکومتی فاسد و فاسدکننده را از بین ببریم و هیئت‌های حاکمه خائن و فاسد و ظالم و جائر را سرنگون کنیم. این وظیفه‌ای است که همه مسلمانان در یکایک کشورهای اسلامی باید انجام دهند و انقلاب اسلامی را به پیروزی برسانند.

در فرازی دیگر می‌فرمایند:

این حکومت‌ها هستند که به واسطه روابط‌شان با ابرقدرت‌ها و سرسپردگی‌شان با ابرقدرت‌های چپ و راست مشکلات را برای ما و همه مسلمین ایجاد کردند.^۱

با وجود حاکمان مستبد در کشورهای اسلامی حاشیه خلیج فارس و به‌ویژه در عربستان باید اشاره کرد که شهروندان عربستان حتی در زمینه حقوق و آزادی‌های اجتماعی با محدودیت مواجه هستند. به‌ویژه جامعه زنان و اقلیت شیعیان بیشترین محدودیت‌ها و تبعیض‌های اجتماعی که به عرصه‌های سیاسی نیز کشیده می‌شود را متحمل می‌شوند. در عرصه محدودیت‌های زنان، نداشتن کارت شناسایی و هویتی

۱. روح‌الله خمینی، ولایت فقیه در حکومت/سلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰، ص ۳۵.

مستقل تا سال‌های گذشته، همچنین ممنوعیت رانندگی، از تبعیض‌های بارز محسوب می‌شود. با این حال به برخی نابرابری‌ها در عرصه‌های حقوقی، سیاسی و اقتصادی نیز می‌توان اشاره کرد. علاوه بر آن می‌توان به تبعیض‌ها و اهانت‌های به شیعیان در نظام آموزشی و... اتفاق می‌افتد، اشاره کرد.^۱ بر این اساس به‌رغم پیش‌بینی‌های اولیه مبنی بر عدم سرایت جنبش‌های مردمی به حوزه خلیج فارس، این جنبش‌ها به بحرین و عربستان نیز سرایت کرد. اما اعتراض در عربستان به قشری خاص محدود شد همچنین پس از سال ۲۰۱۱ تاکنون جنبش‌های مردمی در میان شیعیان تداوم داشته و حتی گسترش یافته است.

۵. اسلام‌امریکایی

بازخوانی گفتارهای امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که ایشان همواره از برداشت‌های سوء و نادرست از اسلام نگران بود. مهم‌ترین نگرانی درباره روایتی از اسلام بود که بعدها در گفتار ایشان با عنوان اسلام‌امریکایی از آن نام برده شد. جالب است که در مسیر انحراف جامعه ایران، اسلام نیز دست‌خوش تعبیر سوء قرار گرفته بود؛ به طوری که یا اسلام به حاشیه رانده شده؛ یا از آن چهره‌ای غیرسیاسی ارائه شده بود.^۲ بنابراین از منظر امام خمینی (ره) مذهب نه تنها می‌بایست در زندگی سیاسی وارد شود، بلکه هم به عنوان ابزار قدرت و هم راه و روش در حوزه سیاست باید جدی گرفته شود. بحث اسلام ناب در اندیشه امام خمینی (ره) منظومه و مجموعه فکری و عملی جامعه‌ای است که از غنای مطلق برخوردار بوده و در ارتباط با زندگی انسان برنامه‌های دقیق و همه‌جانبه به همراه دارد. اسلام ناب، در قرائت امام، به دلیل جامعیت، جذابیت، جهان‌شمولیت و بهره‌مندی از زمینه‌های اعتقادی در درون ملت‌ها، از استعداد و توان و قدرت کافی برخوردار است. اگر اسلام خوب عرضه شود، قادر است مجد و عظمت دوباره جهان اسلام را به مسلمانان برگرداند.^۳ در یک بیان از عمق باور امام (ره) اسلام ناب را این گونه معرفی می‌کنند:

اسلام ناب محمدی، اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازپانه‌خوردگان، تاریخ تلخ و شرم‌آور محرومیت، کوبنده سرمایه‌داری مدرن و کمونیسم خون‌آشام، نابودکننده اسلام رفاه و تجمل و اسلام

۱. علی‌اکبر اسدی، «جنبش‌های مردمی در جهان عرب و تأثیرات آن در عربستان»، خاورمیانه ۹، تهران، ابرار معاصر، ۱۳۹۱، ص ۴۳۳.

۲. حسین پوراحمدی، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران در بازتاب جهانی شدن (هم‌سویی، تقابل یا تعامل)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵.

۳. محمد فولادی، «استراتژی وحدت جهان اسلام در اندیشه امام خمینی»، ۱۳۸۷، ص ۱۷، ش ۱۲۶، ص ۳۴.



التقاط و اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی‌درد و در یک کلمه اسلام امریکایی...^۱

در حالی که امروزه اسلام مدنظر عربستان، ترکیه و قطر متفاوت است. درباره گروه‌های افراطی اسلام‌گرا باید به گروه‌های تکفیری، سلفیه سنتی، القاعده و سایر گروه‌های افراطی اشاره کرد. سازمان‌یافته‌ترین و کارآمدترین جریان تکفیری معاصر را می‌توان در سازمان القاعده سراغ گرفت. رهبران القاعده از تکفیر برای توجیه اعمال خشونت‌آمیز خود علیه دیگران بهره می‌برند و تلاش دارند به طور گسترده از این واژه و مفهوم فقهی برای توجیه جنایات خود علیه مسلمانان و غیر مسلمانان بهره‌برداری کنند. کشورهای چون عراق، پاکستان و به‌ویژه سوریه قربانی فتاوی تکفیر شده و شاهد کشتارهای فراوانی بوده‌اند.^۲

۶. مشکل وابستگی

بزرگ‌ترین وابستگی ملت‌های مستضعف به ابرقدرت‌ها و مستکبرین، وابستگی فکری و درونی است که سایر وابستگی‌ها از آن سرچشمه می‌گیرد. تا زمانی که استقلال فکری برای ملتی حاصل نشود، استقلال در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد. امام خمینی (ره) شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» را سر داده و در این زمینه گفته‌اند:

... وظیفه ماست که در مقابل ابرقدرت‌ها بایستیم و قدرت ایستادن هم داریم، به شرط اینکه روشنفکران دست از شرق و غرب و غرب‌زدگی و شرق‌زدگی بردارند و صراط مستقیم اسلام و ملیت را دنبال کنند. ما با کمونیسم بین‌الملل به همان اندازه در ستیزیم که با جهان‌خواران غرب به سرکردگی امریکا، و با صهیونیسم و اسرائیل شدیداً مبارزه می‌کنیم...^۳

امام خمینی (ره) خطاب به ملت‌های مسلمان می‌فرمایند:

ملت‌ها خودشان باید در فکر اسلام باشند، مایوس ایم ما از سران اکثر قریب به اتفاق مسلمین، لکن ملت‌ها خودشان باید به فکر باشند و از آنها مایوس نیستیم.^۴

از ویژگی‌های رهبری امام خمینی (ره) پایبندی به منافع و مصالح اسلام و مسلمین و

۱. در جست‌وجوی راه از کلام امام، ۱۳۶۲، ص ۳۴۰.

۲. فرزاد شهیدی، «سلفیه سوریه بین اصلاح و تکفیر»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۱۳۹۲، س ۱۴، ش ۵۴، ص ۱۵۸-۵۷.

۳. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۰۲.

۴. در جست‌وجوی راه از کلام امام، همان، ص ۱۷۹.

خلاف جریان حاکم حرکت کردن است؛ پیامبران الهی نیز در هدایت و رهبری جامعه این گونه بوده‌اند. توضیح اینکه اوج و عمق این کلام را زمانی درک می‌کنیم که بدانیم جامعه آن روزی که مقارن بروز انقلاب و جریان‌های انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام (ره) بود، بدنه روشنفکری کشور ما به گونه‌ای بود که گویی سرسپرده دو جریان غرب یا شرق بود که سرکردگی غرب را امریکا که به تعبیر حضرت امام (ره)، شیطان بزرگ بود به عهده داشت و سرکردگی شرق را شوروی سابق عهده‌دار بود. در چنین جامعه غرب زده به تعبیر جلال آل احمد یا شرق زده، عظمت رهبری امام خمینی (ره)، در دفاع از منافع ملی و عدم سرسپردگی به هیچ کدام از جریان‌های فوق بود و همین مسئله، اوج رهبری امام (ره) را می‌رساند که بعدها در قالب شعار بسیار حساس و سرنوشت‌ساز «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» تجلی یافت. اوضاع جامعه روشنفکری ایران آن عصر را این گونه ترسیم کردند: نخبگان ایران یا مروج تمدن غربی بودند یا بخش عمده دیگری به قطب مخالف جهان سرمایه‌داری وابسته بودند.^۱ در این رابطه هم می‌توان گفت با مقاومت و تقابل موفقیت‌آمیزی که انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی در مقابل قدرت‌های بزرگ به ویژه امریکا صورت داد و بر همه جوامع اسلامی که طعم حقارت و سلطه استکبار و استعمار را چشیده بودند، اثرات خود را بر جای گذاشت؛ این امر نیز موهون اثرات و بازتاب‌های انقلاب اسلامی است.^۲

ناسامانی و مشکلات تمدن اسلامی

در بررسی عوامل ضعف و انحطاط مسلمانان از منظر امام خمینی (ره)، فاصله گرفتن از اسلام اصیل و خودباختگی در مقابل غرب مطرح است. از دیدگاه امام، فاصله گرفتن از اسلام اصیل و تعالیم عزت‌بخش آن، افزون بر مشکلات گذشته، روزهای بسیار غم‌انگیزتر و نکبت‌بارتری برای جامعه اسلامی در پی خواهد داشت:

چنانکه کراراً اعلام خطر کرده‌ام اگر ملت اسلام بیدار نشوند و اگر اسلام واقعی که... ضامن سیادت و استقلال ملل مسلمان و کشورهای اسلامی می‌باشد، به دست عوامل و ایادی اجانب همین طور در زیر پرده سیاه استعماری پوشیده بماند روزهای سیاه‌تر و نکبت‌بارتری برای جامعه

۱. محمدحسن حسینی، *نوسازی جامعه/از دیدگاه امام خمینی (ره)*، تهران، عروج، ۱۳۷۷، ص ۲۱۱.

۲. منوچهر محمدی، «بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام»، *مجله دانشکده‌های حقوق و علوم سیاسی*، ۱۳۸۳، ش ۲۱، ص ۳۵.



اسلامی در پیش است.^۱

هنگامی که مسلمانان، اسلام و تعالیم آن را عامل عزت و رشد و تعالی خود ندانند، به یقین، مکتب‌ها و اندیشه‌های دیگر برایشان با اهمیت جلوه می‌کند، و این آغاز انحطاط مسلمانان در طول تاریخ بوده است. حضرت امام منشأ بیشتر بدبختی‌های مسلمانان، بلکه همه ملت‌ها را خود باختگی در برابر غرب و وابستگی فکری به غرب می‌داند و می‌فرماید:

کمال تأسف است که کشور ما که حقوق اسلامی و قضای اسلامی و فرهنگ اسلامی دارد، این فرهنگ را، این حقوق را نادیده گرفته است و دنبال غرب رفته است. غرب در نظر یک قشری از این ملت جلوه کرده است؛ که گمان می‌کنند غیر از این غرب هیچ خبری در هیچ جانیست و این وابستگی فکری، وابستگی عقلی، وابستگی مغزی به خارج، منشأ اکثر بدبختی‌های ملت‌هاست و ملت ماست.

جدایی دین از سیاست و ملی‌گرایی: از جمله مسائلی که سبب شده است اداره جوامع اسلامی به دست عده‌ای از وابستگان غربی و شرقی باشد و متعهدان و دلسوزان از آن کناره‌گیری کنند تفکر جدایی دین از سیاست است. حضرت امام می‌فرماید:

در ذهن بسیاری، بلکه اکثری، بیشتر از اهل علم... این است که اسلام به سیاست چه کار دارد... آخوند چه کار دارد به سیاست.^۲

متحجر نشان دادن اسلام: یکی از نقشه‌های پلید استعمار متحجر نشان دادن اسلام است؛ به گونه‌ای که می‌کوشد از نظر فکری و فرهنگی و در پی آن، اقتصادی، بر جوامع اسلامی سیطره یابد. «از بدبختی‌هایی که بر دول اسلامی پیش آمده است، از جمله آنها این است که یک مدت زیادی دول استعمار طلب مشغول شده‌اند پیغمبر اسلام را کوچک کنند... بعدش دنبال این رفتند که احکام اسلام یک احکامی است که مال هزار سال پیش است و حالا چه و چه شده است، و مملکت مترقی شده است و امثال ذلک و اسلام نمی‌توانند اشباع کنند آن خواسته‌های ملل را»؛ همچنین «دست استعمار در ممالک اسلامی یکی از فعالیت‌هایی که [اسلام را] می‌کند این است که یک طریقت عقب افتاده کهنه شده معرفی کند».^۳

۱. حسین ارجمینی، «عوامل انحطاط و پویایی جوامع اسلامی از دیدگاه امام خمینی»، فصلنامه پژوهشی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، س ۴، ش ۱، ص ۱۱۰.

۲. همان.

۳. همان.

توقعات و انتظارات امام از مسلمانان و کسانی که خواهان عدالت هستند بدین قرار است:

۱. حفظ تقویت انقلاب اسلامی، وظیفه همه مسلمانان است. مبارزه جهت استقرار حکومت عدل، بخشی از وظایف مسلمانان می باشد.
۲. وحدت بین توده امت اسلام واجب است. مسلمانان نباید به تقسیمات ملی و فرقه ای اهمیت بدهند.
۳. مسلمانان به ایدئولوژی که آنها را از خود بیگانه می کند احتیاج ندارند و باید به استعداد و توانایی خودشان اعتماد داشته باشند.
۴. عدالت شاخصه اسلام است و باید در بین افراد و جامعه مشهود باشد.
۵. حاکمان و مسئولان انقلاب اسلامی باید به مستضعفین خدمت کنند، زیرا خدمت به مستضعفین و فقرا باعث خشنودی خدای سبحان و تعالی است.
۶. بارعایت صحیح اصول اسلامی، مسلمانان باید بدانند که امریکا به عنوان یک کشور تروریستی، می خواهد با خودخواهی اراده خود را بر اراده دیگران تحمیل کند. تنها کسانی می توانند در برابر استیلاي تروریست هایی چون امریکا بایستند که ایمان قوی، شجاعت و بصیرت داشته باشند.^۱

راهکارهای مقابله با مسائل و مشکلات جهان اسلام از نگاه امام (ره)

۱. ضرورت وحدت

به نظر می رسد امام خمینی (ره) طرح راهبردی تحقق «وحدت سیاسی جهان اسلام» را در قالب یک نظریه سیاسی و تلقی وحدت به عنوان امری راهبردی و استراتژیک طی چند فرایند و مرحله به تصویر می کشد که شامل ایجاد بستر و شرایط مناسب برای تحقق وحدت، فعال شدن نخبگان سیاسی و مذهبی به عنوان مجریان وحدت، به کارگیری ابزارهای لازم برای حرکت در مسیر اتحاد سیاسی مسلمانان و در نهایت تشکیل دولت بزرگ اسلامی می شود.^۲ اما امروزه، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نباید از تهدیدها و چالش هایی که استکبار جهانی برای نظام اسلامی ما به وجود آورده غفلت کرد. جالب اینکه، با دقت در کلام امام راحل (ره)، دو رویکرد (تقریب و وحدت) به وضوح به دست می آید.^۳ وحدت امت اسلامی به معنای تحقق وحدت اسلامی در مجموعه امت

۱. سفیر اختر، همان، ص ۱۲۱.

۲. محمد فولادی، همان، ص ۲۱۴.

۳. داود تارودیزاده و آذر تاجور، همان، ص ۱۸۴.



اسلام و سراسر جهان اسلام است، به گونه‌ای که در نهایت نویدبخش تشکیل امت واحد اسلامی باشد:

و ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاتقون.^۱

همانا این امت شماست، امتی یگانه، و من پروردگار شما هستم، از من پروا کنید.

در تفکر دینی هرگز مراد از وحدت کنار نهادن سایر مذاهب نیست. وحدت اسلامی بکارگیری ابزار تحقق امت واحد، به عنوان یک آرمان نهایی، در سطوح جوامع در جهان اسلامی خواهد بود. اسلام آماده است تا تمام ملل دنیا را، عرب، عجم، ترک، فارس، همه را با هم متحد کند و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند.^۲

۲. ضرورت خودباوری

با تحلیل و بررسی آثار امام (ره) چاره‌ای برای ما نیست، جز به راه انداختن جنبش و حرکت فراگیری که طی آن امت به خود آید تا بتواند داشته‌ها و امکانات مادی و توانایی‌های معنوی خود را در جهت تجدید اعتبار در میان امت‌های دیگر، به کار گیرد. تکیه بر دیگران و وابستگی به آنها در هر صورتی که باشد، با تعالیم اسلام که بر استقلال شخصیت مسلمانان، چه در مسائل اعتقادی و حوزه اندیشه و چه در مسائل ظاهری و چه در رفتار و کردار، تأکید فراوان دارد، سازگار نیست؛ بنابراین پیروی و اطاعت از دیگران در مسائل اعتقادی و رفتاری، جز با ضعف ایمان و یا عدم اعتقاد و وفاداری به خدا توجیه‌پذیر نیست.^۳ تفکر و طرح امام خمینی (ره) در واقع تلفیقی از هویت و توسعه بود. در حالی که رهبران پیشین جنبش بیداری اسلامی چون سیدجمال به دنبال توسعه و تجدد بودند؛ برخی هم به صورت کمرنگی بر هویت تأکید داشتند.^۴ توجه به ارزش‌های سنتی، فرهنگی و خوداتکایی باعث نوعی خودباوری در بین ملل اسلامی و آزادی‌خواه می‌گردد. یکی از مدافعان جنبش الهیات رهایی‌بخش امریکای جنوبی، مفاهیم تازه‌ای از نوگرایی ارائه کردند که در آنها با تأکید بر راه‌های مختلف موجود برای توسعه، به ارزش‌های سنتی، فرهنگی و خوداتکایی در این فرایند توجه ویژه‌ای می‌شود. به این ترتیب در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مجموعه‌سومی از الگوها در واکنش علیه الگوهای

۱. قرآن کریم، سوره مؤمنون، آیه ۵۲.

۲. صحیفه/امام، ج ۱۳، ص ۴۴۳.

۳. محمد خلف الجراد، همان، ص ۲۱۸.

۴. علی اکبر ولایتی، فرهنگ و تمدن/اسلامی، قم، معارف، ۱۳۸۸، ص ۲۵۱.

پیشین مطرح شد که آن را وحدت گرا و رهایی بخش نامیدند.^۱

۳. ضرورت احیای تفکر اسلامی از منظر امام (ره)

امروزه در جهان اسلام به ویژه در خلیج فارس فعالیت های دینی مجدداً سازمان یافتند و روند احیای اسلامی به عنوان یک حرکت اجتماعی وسیع در مقابله با بحران نوسازی غربی ظهور یافته است. در بسیاری از این کشورها اکثر جوانان مسلمان به ویژه کسانی که عضو طبقات متوسط و پایین می باشند اسلام را به عنوان فرهنگی که آنان را از خودبیگانگی و ناامیدی های مفرط نجات می دهد، و مدل عملی حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در جهان تحت سلطه غرب ارائه می کند، پذیرفته اند. در یک کلام امروز اسلام همچنان نیروی قدرتمند فرهنگی در جوامع اسلامی و در خاورمیانه است؛ در دورانی که دولت های سکولار با پیروی از اندیشه های غربی تلاش داشتند نوسازی را در کشورهای خود پیگیری کنند ولی در عمل با ناکامی مواجه شده اند.^۲

۴. ضرورت استمرار بیداری اسلامی

بیداری اسلامی برخلاف تنوع گرایش ها و زیرمجموعه های متفاوت، منادی پیام واحدی در تاریخ بدین مضمون است: ما دوباره برگشتیم تا دین را به عرصه زندگی فردی و اجتماعی انسان بازگردانیم. این احساس و خودآگاهی، ترکیبی از دو حالت شرمندگی و قصد بازگشت به ارزش های ناب و راستین گذشته است. شرمندگی در برابر عزتی که خداوند به مؤمنین وعده داده است و امروز مسلمانان از آن بی بهره اند و بازگشت به اسلام به این معنا که عقب ماندگی مانشی از دور شدن از اسلام است. معنا و پیام بیداری اسلامی، این است که به اسلام ناب برگردیم تا عزت گذشته خویش را باز یابیم یا عزت به باد رفته خود را به دست آوریم. بدون شک احیای و بیداری جهان اسلام با پیروزی انقلاب اسلامی معنا و مفهوم جدیدی پیدا کرد و از مرحله نظر به عمل و واقعیت رسید؛ اگر چه از حدود یک قرن قبل اندیشمندانی همچون سیدجمال الدین اسدآبادی در جهان اسلام ظهور کردند، و ندای بازگشت به اسلام و تقابل با فرهنگ غرب را سر می دادند و در این مسیر نهضت ها و گروه هایی نیز شکل گرفت؛ ولی پیروزی انقلاب اسلامی به همه مسلمانان به اثبات رساند که مسئله بازگشت به اسلام تنها یک خیال و نظر نبوده است،

۱. ناصر باهنر، رسانه ها و دین؛ از رسانه های سنتی اسلامی تا تلویزیون، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۸۷، ص ۱۹۵.

۲. حسین پوراحمدی، همان، ص ۱۸۷.



بلکه می‌تواند واقعیت هم داشته باشد.^۱ در موج جدید بیداری اسلامی، امام خمینی و روحانیان هم‌فکر وی کوشیدند که سیاست را بر محور مرجعیت بازگردانند. طیف مذهبی جنبش دانشجویی نیز به تحقق این هدف کمک کرد. برای تبیین این اندیشه، می‌توان از «معنویت‌گرایی در سیاست» و «بازگشت به خویشتن انسان مسلمان ایرانی» استفاده کرد. امام خمینی برای تحقق این هدف به تقویت حوزه علمیه پرداخت.^۲ امروزه نیز اهداف مردم منطقه در خیزش بیداری اسلامی بر محور مبارزه با ساختار سیاسی مستبد و فاسد (استبداد و استکبارستیزی) که هیچ‌امیدی به اصلاح و تغییر آن نبوده، قرار دارد و استعمارستیزی و عدم وابستگی به کشورهای خارجی به خصوص آمریکا و رژیم صهیونیستی به در خیزش‌های مردمی به چشم می‌خورد. مردم معترض کشورهای اسلامی به دنبال استقلال سیاسی کشور خود هستند و می‌خواهند حق تعیین سرنوشت داشته باشند. از مهم‌ترین دلایلی که موجب بروز چنین تظاهرات گسترده‌ای در کشورهای اسلامی شده تعالی‌خواهی و هویت‌طلبی است. تحقق چنین مسئله‌ای در گرو احیای اسلام اصیل است. خیزش مردم با چنین درخواستی موجب کسب و حفظ کرامت و منزلت انسانی می‌شود.^۳

تأثیر انقلاب اسلامی در حل مشکلات برخی کشورهای اسلامی

در راستای تأثیر رویکرد انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) در خاورمیانه می‌توان به تلاش‌ها در زمینه برقراری اتحاد اسلامی، استکبارستیزی، مقابله با توسعه‌طلبی آمریکا در منطقه، حمایت از مسلمانان منطقه به ویژه مردم لبنان و تلاش در جهت بازسازی عراق و برگرداندن ثبات به منطقه و همین‌طور تلاش در جهت برطرف کردن دغدغه‌های امنیتی اشاره کرد و شاهد حل برخی مشکلات و مسائل بود. همچنین می‌توان به جهت‌گیری‌های ایران نسبت به خیزش‌های مردمی منطقه، استکبارستیزی و مقابله با زیاده‌خواهی‌های آمریکا در منطقه، حمایت از مسلمانان لبنان و فلسطین و همچنین گفتارها و رفتارهای ایدئولوژیک ایران در عراق اشاره کرد.^۴

۱. مرتضی شیرودی، «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی (تأثیر گذاری و نمونه‌ها)»، «مطالعات/انقلاب/اسلامی»، ۱۳۸۸، ش ۵، ص ۱۶.

۲. علی اکبر ولایتی، همان، ص ۲۶۸.

۳. بهزاد قاسمی، «اجلاس جهانی استادان دانشگاه‌ها و بیداری اسلامی»، «مطالعات راهبردی جهان اسلام»، ۱۳۹۱، ش ۱۳، ص ۵۱، ص ۲۰۵.

۴. کیهان برزگر، «سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی»، «روابط خارجی»، تهران، ۱۳۸۸، ش ۱، ص ۱۱۵.

با این وصف، رویکرد انقلاب اسلامی و در حقیقت دیپلماسی آن در قبال جایگاه مردم در خاورمیانه در اینجا اهمیت دارد. در رویکرد دیپلماتیک همیشگی جمهوری اسلامی به نقش مردم در تعیین سرنوشت خود در مسئله فلسطین تأکید شده و ضدیت با رژیم صهیونیستی، رشد شیعه در عراق با احترام به جایگاه و نقش آنها، پیروزی حزب الله، مسئله سوریه (طرح راه حل سیاسی به جای راه حل نظامی که معنای آن دخالت دادن مردم برای تعیین آینده سیاسی سوریه است) و مسئله قیام‌های مردمی در سال‌های اخیر، مورد توجه قرار گرفته است.

انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های مردمی فلسطین

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی، امام خمینی (ره) همواره بر ضرورت دفاع از مستضعفین جهان و مردم مظلوم فلسطین تأکید داشته و آن را یک تکلیف دینی دانسته‌اند. در واقع حمایت‌های ایران از لبنان، فلسطین و جنبش حماس را می‌بایست در راستای عملیاتی کردن اصول انقلاب اسلامی دانست. در این راستا عربستان و ایالات متحده تلاش دارند با دخالت در مسئله حل و فصل بحران فلسطین، جمهوری اسلامی را به چالش بکشند و از قدرت نفوذ آن بکاهند.^۱ هدف ایران استقرار یک جامعه اسلامی با محوریت امت اسلامی است؛ حمایت ایران از حماس و گروه‌های فلسطینی سنی مذهب موجب کم رنگ شدن نقش مذهب در رابطه با این گروه‌ها و جمهوری اسلامی ایران شده است. در مقابل، ایالات متحده و عربستان تلاش دارند با حمایت از گروه‌های سنی در مقابل ایران موازنه‌سازی کنند.^۲ این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران همواره در منطقه خاورمیانه به جایگاه مردم در نقش تعیین سرنوشت خود چه از طریق انتخابات و چه دیگر سازوکارها، احترام گذاشته است.

موضع‌گیری رهبری نظام در خصوص راه حل مسئله فلسطین چنین بیان می‌شود:

ما همه پرسى از ملت فلسطین را پیشنهاد می‌کنیم. ملت فلسطین نیز مانند هر ملت دیگر حق دارد سرنوشت خود را تعیین کند و نظام حاکم بر کشورش را برگزیند. همه مردم اصلی فلسطین، از مسلمان و مسیحی و یهودی (نه مهاجران بیگانه) در هر جا هستند؛ در داخل فلسطین، در اردوگاه‌ها و در هر نقطه دیگر، در یک همه‌پرسی عمومی و منضبط

۱. پرویز نادری نسب، «چالش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه»، سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۹، س ۱۰، ش ۱، ص ۳۲۸.

۲. محمد جمیری، «بررسی و تبیین نقش فرمانطقه‌ای ایالات متحده امریکا در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی پس از ۱۱ سپتامبر»، ره‌آورد سیاسی، ۱۳۸۹، ش ۲، ص ۱۴۵.



شرکت کنند و نظام آینده فلسطین را تعیین کنند. آن نظام و دولت برآمده از آن، پس از استقرار، تکلیف مهاجران غیر فلسطینی را که در سالیان گذشته به این کشور کوچ کرده‌اند، معین خواهد کرد. این یک طرح عادلانه و منطقی است که افکار عمومی جهانی آن را به درستی درک می‌کند و می‌تواند از حمایت ملت‌ها و دولت‌های مستقل برخوردار شود. البته انتظار نداریم که صهیونیست‌های غاصب به آسانی به آن تن دهند، و این جاست که نقش دولت‌ها و ملت‌ها و سازمان‌های مقاومت شکل می‌گیرد و معنی می‌یابد. مهم‌ترین رکن حمایت از ملت فلسطین، قطع پشتیبانی از دشمن غاصب است؛ و این وظیفه بزرگ دولت‌های اسلامی است.^۱

این ایده‌ای است که بر اساس آن همه مردم فلسطین با هم برابر خواهند بود و همه از حقوق بشر و حقوق شهروندی خود در یک جامعه دموکراتیک استفاده خواهند کرد.

قدرت‌گیری شیعیان عراق به واسطه نقش مردم در حق تعیین سرنوشت

با حمله نظامی ایالات متحده در مارس ۲۰۰۳ به عراق، رژیم بعثی سرنگون شد و عراق به اشغال نظامی امریکا درآمد. با اشغال عراق و رشد محور شیعه در عراق، ایران نیز نفوذ قابل توجهی در عراق پیدا کرد. از یک طرف روی کار آمدن شیعیان آن هم از طریق الگوی مردم‌سالاری در عراق به قدرت‌گیری شیعیان و روی کار آمدن افراد و گروه‌های غیر هم‌سو با ایالات متحده منجر شده است؛ و از منظر دیگر روی کار آمدن اکثریت شیعی در عراق که خود می‌تواند مسئله امنیتی‌ای را برای منطقه شیعی نشین شرقی عربستان سعودی به وجود آورد؛ منافع عربستان و متحدش واشنگتن را به خطر انداخته است.^۲ ورود نظامیان شیعی به ارتش عراق (نیروی صدر و سپاه بدر) و همچنین روی کار آمدن حزب الدعوة و مجلس اعلی انقلاب اسلامی عراق در انتخابات ژانویه ۲۰۰۵ که از مدافعان ایران هستند، نگرانی کشورهای عربی و غربی و به‌ویژه واشنگتن را برانگیخته است؛^۳ چراکه این امر به معنای سرآغاز نفوذ ایران در منطقه و قدرت‌گیری گروه‌ها و تشکیل رژیم‌های غیر هم‌سو یا ضد غربی و امریکایی در منطقه خاور میانه خواهد شد.

۱. رک: www.khamenei.ir

۲. حمید صالحی، «مناسبات راهبردی امارات متحده عربی با جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات راهبردی*، ۱۳۹۰، س ۱۴، ش ۵۲، ص ۱۶۰.

۳. نبی‌الله ابراهیمی، «شورای همکاری خلیج فارس و برنامه هسته‌ای ایران»، *شرق*، ۱۳۸۶، ش ۶۲۲، ص ۲۷۰.

مسئله سوریه

در مسئله سوریه واشنگتن راهکار سیاسی و نظامی را برای حل بحران سوریه مطرح می‌کند؛ در حالی که نقش بشار اسد در مرحله انتقال قدرت را مردم سوریه تعیین خواهند کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز دخالت دادن مردم برای تعیین آینده نظام سیاسی سوریه را همواره تأکید می‌کند.

تحلیل گر امریکایی درباره مسئله سوریه تشریح کرده است که:

امریکا با هر حرکت دموکراتیک در جهان مخالف است. علت آن نیز این است که امریکا تمایلی به ایجاد نظام‌های دموکراتیک مخالف با سیاست‌های خود ندارد. امریکا به علت سیاست‌هایش دشمنانی در تمام جهان دارد و به همین علت طبیعی است که از وجود نظام‌های دموکراتیک که تمایل ملت‌ها در رد سیاست‌های امریکا را دنبال می‌کند، نگران باشد.

چامسکی معتقد است:

هنگامی که امریکا از رژیم‌های دموکراتیک سخن می‌گوید، منظورش آن رژیم‌هایی است که از وی حمایت می‌کنند، اما اگر در همین کشورها انتخاباتی برگزار شود و دولتی با رویکرد مخالف امریکا روی کار بیاید، واشنگتن این انتخابات را دموکراتیک نخواهد خواند، به عنوان مثال این اتفاقی بود که در انتخابات فلسطین در سال ۲۰۰۶ روی داد و جنبش حماس در جریان آن پیروز انتخابات شد.

اشاره چامسکی به انتخاباتی است که نتیجه آن به نفع جنبش حماس تمام شد اما از آنجایی که این نتیجه دلخواه امریکا نبود، کارشکنی کردند و این پیروزی را به رسمیت نشناختند. همین کار باعث شد، فلسطین دو پاره شود و بخشی از فلسطینی‌ها در نوار غزه مستقر شوند.^۱ مجموعه این اتفاقات فقط یک معنا دارد؛ دموکراسی‌ای مورد پسند امریکایی‌هاست که فرد دلخواه آنها از صندوق رأی بیرون آید. در غیر این صورت کشور هدف آنها متهم به تقلب در انتخابات می‌شود و فرد پیروز آماج حملات متعدد از جمله فشارهای اقتصادی قرار می‌گیرد و اگر هیچ کدام از این اقدامات به نتیجه منجر نشود، راهکار نظامی در دستور کارشان قرار می‌گیرد و این دقیقاً همان سناریویی است که در سوریه در حال اجرایی شدن است. تقابل موضع‌گیری جمهوری اسلامی ایران و امریکا

در قضیه سوریه به نوعی نشان‌دهنده پایبندی ایران به راه‌حل سوری و نقش ملت سوری و عدم پایبندی امریکا به آن است.

مسئله قیام‌های مردمی در سال‌های اخیر

در مسئله قیام‌های مردمی کشورهای عربی منطقه، جمهوری اسلامی ایران به موضوع مردم‌سالاری تأکید کرده است. بر این اساس، راهبرد واکنش ایالات متحده امریکا در دوران ریاست جمهوری اوباما پس از شکست سیاست مهار جنبش‌ها و قیام‌های مردمی در کشورهای عربی، بر هدایت و کنترل قیام‌های مردمی با هدف روی کار آوردن رهبران هم‌سو یا دست‌کم جلوگیری از روی کار آمدن رهبران انقلابی و غرب‌ستیز تعلق گرفته است. در حالی که شواهد عینی تحولات اخیر منطقه بیانگر این است که در طرح انقلاب اسلامی برای منطقه، پایبندی عملی به حق تعیین سرنوشت مردم وجود دارد اما در طرح «خاورمیانه بزرگ امریکایی»! چنین پایبندی وجود ندارد؛ بلکه تمامی اهداف امریکا در راستای منافع ملی خود بوده است. این شواهد نهایتاً پارادوکس عمیق میان آرمان و واقعیت را در سیاست خارجی امریکا به نمایش می‌گذارد. به عبارت دیگر، ناتوانی واشنگتن در حل این پارادوکس تاریخی میان آرمان‌های دموکراتیک و محافظه‌کاری، مانعی در راه دموکراتیزاسیون واقعی و عملی دولت‌های عربی به شمار می‌رود و نهایتاً موجب طرح مطالبات حقوقی و سیاسی شهروندان در جوامع اسلامی در قالب مردمی و بیداری اسلامی شده است. همه این شواهد گویای عینی این مسئله است که تحولات منطقه، غرب و امریکا را با چالش جدی مواجه کرده و نیز عدم پایبندی آنها به اندیشه و رفتارشان را آشکار ساخته است. به این ترتیب با افزایش نقش و جایگاه مردمی در منطقه و رشد و گسترش مردم‌سالاری اسلامی پیروزی‌هایی در آینده نصیب انقلابیون خواهد شد.

شاخص‌های عینی از خیزش‌های اخیر منطقه (الهام بخشی انقلاب اسلامی)

پیروزی انقلاب اسلامی ایران تأثیرات عمیقی بر معادلات منطقه‌ای به‌ویژه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بر جای گذاشته است. همچنین الگوی انقلاب اسلامی تأثیر عمیقی بر مسلمانان جهان اسلام به‌ویژه مردم منطقه و شمال آفریقا داشته که امروزه در قالب بیداری اسلامی بروز و ظهور کرده است. خیزش‌های مردمی منطقه علاوه بر تهدید برای دولت‌های محافظه‌کار و غیردموکراتیک منطقه تهدیدی برای غرب و امریکا به شمار می‌رود. علاوه بر آن بیداری اسلامی منطقه و شمال آفریقا موجب تقویت



جایگاه مردم سالاری دینی و الگوی انقلاب اسلامی شده و همواره فرصتی در راستای افزایش قدرت منطقه‌ای ایران، و تقویت محور مقاومت اسلامی خواهد بود. گزاره‌های عینی و نمونه‌هایی از تغییرات و فرصت‌های ایجاد شده در منطقه، نشان از تأثیر الگوی مردم سالاری بوده و خود بستری برای تقویت جایگاه اسلام و نقش مردم را در آینده فراهم خواهد نمود. از جمله این موارد عبارت‌اند از: سقوط برخی از رژیم‌های مستبد و وابسته به غرب و آمریکا، همچنین تداوم مطالبات مردمی؛ افزایش حمایت مردمی و منطقه‌ای از فلسطین و تهدید جایگاه رژیم صهیونیستی؛ قدرت‌گیری اسلام‌گرایان یا حداقل قدرت‌گیری گروه‌های غیر هم‌سو با غرب و آمریکا؛ سقوط سران مرتجع هم‌سو با غرب و مخالف انقلاب اسلامی؛ ادامه اعتراضات و به هم ریختن نظم موجود منطقه و تبعات منفی حاصل از آن برای غرب، آمریکا و رژیم صهیونیستی و حضور توده‌های مردم، نخبگان، زنان، جوانان و همه قشرهای مردم در خیزش‌های منطقه.

نتیجه‌گیری

دشمنان امت اسلامی همواره برای نابودی و عقب‌نگه‌داشتن مسلمانان به گسترش دامنه اختلافات مذهبی و قومی اقدامات مؤثری انجام داده‌اند، و از تمام توان سیاسی و اقتصادی و حتی تهاجم فرهنگی برای به زانو درآوردن تمدن اسلامی بهره‌جسته و در برخی مواقع به اهداف خود نیز نائل گردیده‌اند. کشتارهای مداوم مسلمانان در بسیاری از کشورهای اسلامی به دست عناصر و گروه‌های فریب‌خورده و جاهل (تکفیری‌ها و افراطی‌ها) نمونه‌ای از به ثمر نشستن بذر تفرقه است. در هر برهه‌ای از زمان مصلحان و بزرگانی در جهان اسلام پیدا شدند تا در برابر نقشه‌های شوم دشمنان بایستند و به بیدارگری امت اسلامی بپردازند. طحطاوی و خیرالدین تونسسی، سید جمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده در یک قرن اخیر برای بیداری مسلمانان از خوابی که باعث افول تمدن اسلامی شده تلاش بسیاری کردند؛ و البته در عصر حاضر، امام خمینی (ره) هم به لحاظ نظری و تئوریک و هم در عمل توانستند قابلیت‌های اسلام و مسلمانان را برای اداره جامعه به جهانیان نشان دهند. امام خمینی (ره) اسلام را تنها هویت امت اسلامی معرفی کرده، اما کشورهای غربی و دست‌نشانده‌گان آنان تشکیل دولت‌های ملی‌گرا و تقسیم جهان اسلام را توصیه می‌کنند. امروزه نیز بیداری اسلامی را باید به نوعی الگوگیری از اندیشه سیاسی امام و انقلاب اسلامی دانست. چون جمهوری اسلامی ایران به دنبال حفظ نظم عادلانه منطقه بوده و جهت استقرار عدالت به دنبال نظم نوین بوده و از طریق

نقش آفرینی مردم همانند انتخابات و سایر سازوکارها اهداف خود را دنبال می‌کند. امروزه حرکت انحرافی سلفی تکفیری و وهابیت بزرگترین خطر و مشکل جهان اسلام است. چون برخی کشورهای عربی، امریکا و اسرائیل از جریان‌های تکفیری حمایت و به آنها کمک می‌کنند. علاوه بر اینکه گروه‌های تکفیری در بسیاری از کشورهای اسلامی چالشی جدی و اساسی به وجود آورده‌اند، در آینده نیز مسئله‌ای برای به چالش کشیدن انقلاب و نظام جمهوری اسلامی به شمار می‌روند.



